بررسی سبک‌های دلبستگی به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در وابستگی به مواد مخدر در جوانان پسر شهر ایلام

جهانشا محمدزاده[۱]، افرا خسروی[۲]، علی‌اصغر رضایی[۳]

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: اعتیاد یا سوءمصرف مواد موضوعی جدی است که جوامع انسانی را تهدید می‌کند. متغیرهای متعددی بر پیدایش، تداوم و درمان اعتیاد مؤثر هستند. دسته‌ای از این متغیرها به عنوان متغیرهای پیش‌بین در زمینه مصرف مواد بررسی شدند که از میان این متغیرها می‌توان به سبک‌های دلبستگی اشاره کرد. در روان‌شناسی تحول پیوند عاطفی بین نوزاد و مادر را دلبستگی می‌گویند. تجارب ناایمن در ارتباط با دلبستگی می‌تواند از عوامل زمینه‌ساز بعدی در جهت سوق به طرف مصرف مواد باشد. در این پژوهش ارتباط سبک‌های دلبستگی با وابستگی به مواد بررسی شد.

روش‌ها: افراد مورد مطالعه شامل ۱۲۰ جوان دانشجو و ۸۱ جوان معتاد بودند. در این پژوهش برای انتخاب نمونه معتاد از روش نمونه‌گیری در دسترس و با مراجعه به مراکز خودمعرف سازمان بهزیستی و برای انتخاب نمونه غیر معتاد از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و با مراجعه به دانشگاه‌های شهر ایلام استفاده شد. ابزار پژوهش مقیاس سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (Revised adult attachment scale یا RASS) Colins و پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود. جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل رگرسیون یافته‌ها نشان داد که وابستگی به مواد مخدر با سبک‌های دلبستگی (اجتنابی و اضطرابی) رابطه مستقیم، مثبت و معنی‌دار و با سبک دلبستگی ایمن رابطه معکوس، منفی و معنی‌دار داشت و آن را پیش‌بینی کرد ($P < ۰/۰۱$).

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که نبود تعامل مناسب بین کودک و مادر در دوران کودکی و محرومیت‌های عاطفی، کودکان را به سمت سوءمصرف سوق می‌دهد. همچنین والدین غیر پاسخگو و اعتماد کم به آن‌ها، فاصله زیاد بین مادر و فرزند، احساس خصومت و عدم مراقبت لازم در دوران کودکی، فرد را به سوی مصرف مواد هدایت می‌کند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، اعتیاد، وابستگی به مواد

ارجاع: محمدزاده جهانشا، خسروی افرا، رضایی علی‌اصغر. **بررسی سبک‌های دلبستگی به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در وابستگی به مواد مخدر در جوانان پسر شهر ایلام.** مجله تحقیقات نظام سلامت ۱۳۹۱؛ ۸ (۷): ۱۱۶۵-۱۱۵۹.

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۴/۲۴ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۷/۲۲

۱- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۲- دانشیار، گروه ایمونولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران (نویسنده مسؤول)

Email: afrakhosravi@yahoo.co.uk

۳- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-10-13]

مقدمه

اعتیاد، سوءمصرف یا وابستگی به مواد مخدر در جهان یکی از معضلات بزرگ در راستای فروپاشی نظام خانواده و اجتماع به شمار می‌رود و دامی است که در کمین بسیاری از افراد جامعه به خصوص جوانان نشسته است. آمارهای منتشره از سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان بهداشت جهانی و برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد حاکی از افزایش فزاینده تولید و مصرف این مواد در سطح جهان است؛ به طوری که دو دهه گذشته را «عصر دارو» نامیدند.

در واقع می‌توان گفت که اعتیاد یا سوءمصرف مواد به مسأله‌ای جدی برای کشورها تبدیل شده است. در این میان ایران نیز به لحاظ موقعیت جغرافیایی (هم مرز بودن با بزرگترین کشور تولیدکننده تریاک) و موقعیت استراتژیک (بهترین مسیر برای ترانزیت مواد) در معرض بیشترین خطرات ناشی از مواد مخدر و اعتیاد قرار گرفته است. اهمیت ایجاد راهبردهای پیشگیری و درمان مؤثر بی‌شک سال‌هاست که بر همگان روشن شده است. اما با وجود تلاش‌های روزافزونی که در راستای پیشگیری و درمان سوءمصرف مواد صورت می‌گیرد، ما همچنان شاهد انتشار آمارهای فزاینده‌ای از سوی سازمان بهداشت جهانی و انجمن روان‌پزشکی امریکا در زمینه شیوع سوءمصرف مواد و مشکلات وابسته به آن هستیم (۱).

گفته می‌شود که مبارزه با اعتیاد به سه روش مبارزه با عرضه، درمان معتادان و فعالیت‌های پیشگیرانه در جهت کاهش تقاضا استوار است. از طرفی در بحث مربوط به بیماری‌های مختلف، پیش از درمان بیماری‌ها بر پیشگیری از بیماری‌ها تأکید می‌شود. در مبحث بیماری اعتیاد نیز با توجه به هزینه‌های بسیار بالای مبارزه با مواد مخدر، درمان و نگهداری معتادان و همچنین معایب مربوط به روش‌های درمان و سم‌زدایی، به نظر می‌رسد که پیشگیری از سوءمصرف مواد بسیار مقرون به صرفه و کاراتر باشد. باید در نظر داشت که حذف عامل روان‌شناختی اعتیاد که فرد را برای همیشه به سوی استفاده مجدد از مواد سوق می‌دهد، تقریباً غیر ممکن است. بنابراین هدف بیشتر تحقیق‌های امروزه شناخت عوامل زیربنایی این معضل جهانی و در نتیجه پیشگیری از آن است.

متغیرهای متعددی بر پیدایش، تداوم و درمان اختلال‌های مصرف مواد تأثیر می‌گذارند. بازنگری ادبیات پژوهشی نشان داد که عوامل زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و خانوادگی با سوءمصرف مواد مرتبط است. در پژوهش‌های بالینی دسته‌ای از متغیرها به عنوان متغیرهای پیش‌بین در زمینه اختلال‌های مصرف مواد بررسی شد که از میان این متغیرها می‌توان به سبک‌های دلبستگی اشاره کرد.سبک‌های دلبستگی به والدین نقش مهمی در سازگاری روان‌شناختی و اجتماعی افراد در مراحل بعدی و پیشگیری از ورود آن‌ها به عرصه مواد و اعتیاد دارد (۳، ۲).

سبک‌های دلبستگی به عنوان یک عامل تحولی، نقش تعیین‌کننده و مهمی در رشد گرایش‌های شخصیتی و شکل‌گیری شخصیت اثرگذار دارد. چنانچه Carlson و Sroufe کنش سازمانی نظام دلبستگی را در یکپارچه ساختن مؤلفه‌های عاطفی، انگیزشی، شناختی و رفتاری با اهمیت دانستند (۴).

با وجود این که عوامل شروع مصرف مواد ممکن است یک کنجکاوی ساده باشد، عوامل تداوم مصرف اعتیاد می‌تواند با سبک‌های دلبستگی ارتباط داشته باشد. جدایی از منبع ایمنی‌بخش می‌تواند با گسستگی ارتباط فرد با منابع انسانی اطراف و گرایش او به مصرف مواد برای فرار از ترس‌ها، اضطراب‌ها و ... ارتباط داشته باشد. در واقع اعتیاد را می‌توان تعامل فرد، مواد و محیط دانست. در عمل مواد واسطه‌ای بین فرد و محیط می‌شود و رابطه ایمنی‌بخش با محیط به واسطه مواد صورت می‌گیرد. چنین تعبیر می‌شود که فرد در پرتو مصرف مواد امنیت پیدا می‌کند.

از نظر روان‌شناسی این مواد به ویژه مخدرها جزء مهم‌ترین ضداضطراب‌ها نیز هستند. فرد به دلیل مصرف مواد که آرامش آسان و سریع را به دنبال دارد، به تدریج به عنوان معتاد خود را از روابط ایمنی‌بخش طبیعی محروم می‌کند. در ادامه فرد برای دستیابی به همان سطح ایمنی‌بخش که از مواد انتظار دارد، ناچار تن به وابستگی و عدم کنترل بر مصرف مواد می‌دهد. مشابه شرایط جدایی از مادر، در هنگام مواجه با

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-10-13]

مشکل چون نیاز به ایمنی‌جویی در افراد افزایش می‌یابد، فرایند جستجوی فعال مجدد بروز می‌کند. اگر در این هنگام منابع ایمنی‌بخش خانوادگی، گروه همسالان یا منابع اجتماعی در دسترس نباشد یا فرد مهارت به دست آوردن آن‌ها را از طریق مهارت‌های ارتباطی (که از نشانه‌های سلامت روان است) نداشته باشد، ناگزیر در این شرایط برای فرار یا تسکین خود به مصرف مواد گرایش می‌یابد. این پاسخگویی به لحاظ این که سریع تأثیر می‌گذارد، برای این افراد که به جای چالش‌جویی، چالش‌گریز هستند، ساز و کاری ایجاد می‌کند و رفتار سوءمصرف را تقویت می‌کند. دخالت نکردن زود هنگام در نهایت فرد را به سوی وابستگی سوق می‌دهد (۵).

شواهد و پژوهش‌های انجام شده حاکی از این است که بین سبک دلبستگی، اختلال خلقی، اضطرابی، شخصیت و سوءمصرف مواد رابطه وجود دارد (۶). همچنین Williams و Kelly در تحقیقی نشان دادند که الف) نوجوانان دلبستگی ایمن بیشتری نسبت به مادران دارند و ب) نوجوانانی که تعامل کمتری با پدران خود دارند و دارای دلبستگی ناایمن هستند، مشکلات رفتاری بیشتری را نشان می‌دهند (۷). Bahr و همکاران در تحقیقی تحت عنوان «خانواده، دینداری و خطر مصرف مواد در نوجوان» نشان دادند که دلبستگی به پدر، دلبستگی به مادر، نظارت والدین، پرخاشگری خانوادگی، مشکلات مواد در خانواده و دینداری با مصرف مواد و افسردگی ارتباط معنی‌داری دارد (۸).

با وجود اهمیت و تأثیر بی‌چون و چرای اختلال‌های دلبستگی در پیدایش بسیاری از اختلال‌های روان‌شناختی، کیفیت رابطه این اختلال‌ها با اختلال مصرف مواد مورد بررسی پژوهشگران قرار نگرفته است. انجام چنین پژوهشی نه تنها توزیع فراوانی سبک‌های دلبستگی بیماران مبتلا به اختلال‌های مصرف مواد را مشخص می‌سازد، بلکه صحت و اعتبار متغیرهای پیشین که احتمالاً می‌توانند نقش پیدایش در اختلال‌های سوءمصرف مواد را تبیین کنند، مشخص می‌سازد. بنابراین این پژوهش به بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در وابستگی به مواد مخدر پرداخت.

هدف کلی پژوهش حاضر این است که آیا نوع سبک دلبستگی فرد با ابتلا وی به سوءمصرف مواد ارتباط دارد؟ و این که آیا نوع سبک دلبستگی فرد می‌تواند ابتلا فرد به سوءمصرف مواد را پیش‌بینی کند؟ اهداف جزیی پژوهش نیز بررسی متغیرهای مورد نظر به صورت تفکیکی به عنوان پیش‌بین‌های وابستگی به مواد مخدر است.

روش‌ها

افراد مورد مطالعه تحقیق شامل ۱۲۰ جوان دانشجو و ۸۱ جوان معتاد بودند. ۷۶/۷ درصد دانشجویان در دامنه سنی ۲۴-۲۰ سال قرار داشتند؛ در حالی که ۳۸ درصد افراد گروه معتاد در دامنه سنی ۲۸-۲۴ و ۴/۲۸ درصد دیگر در دامنه سنی ۳۴-۲۹ قرار داشتند. ۹۲ درصد دانشجویان (افراد سالم) مجرد و ۷/۵ درصد متأهل بودند. ۶۵ درصد افراد معتاد مجرد و ۳۴/۶ درصد دیگر متأهل بودند.

در پژوهش حاضر برای بررسی سبک‌های دلبستگی از مقیاس دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید استفاده شد (۹). این پرسش‌نامه در سال ۱۹۹۰ توسط کولینز و رید تهیه گردید و در سال ۱۹۹۶ توسط آن‌ها مورد بازنگری قرار گرفت. مبنای نظری این آزمون، نظریه دلبستگی است. این مقیاس چگونگی ارزیابی فرد از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را مورد بررسی قرار می‌دهد. مقیاس دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از عبارات بیان می‌کنند.

این پرسش‌نامه دارای سه زیر مقیاس است. زیر مقیاس وابستگی که میزان اطمینان و تکیه کردن آزمودنی به دیگران را نشان می‌دهد. زیر مقیاس نزدیکی که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می‌سنجد. زیر مقیاس اضطراب نیز میزان نگرانی فرد از طرد شدن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هر یک از زیر مقیاس‌ها دارای ۶ عبارت است. ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیر مقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شد (۹). در ایران نیز میزان قابلیت اعتماد با

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-10-13]

استفاده از روش آزمون- آزمون مجدد به صورت همبستگی بین دو اجرا روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر آزمودنی با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌های A، D و C در RASS معنی‌دار نیست و این آزمون در سطح ۹۵ درصد قابل اعتماد است (۹).

در این پژوهش برای انتخاب نمونه معتاد از روش نمونه‌گیری در دسترس و با مراجعه به مراکز خودمعرف سازمان بهزیستی و برای انتخاب نمونه غیر معتاد از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله و با مراجعه به دانشگاه‌های شهر ایلام استفاده شد. در این پژوهش از میانگین و انحراف معیار برای محاسبه شاخص‌های توصیفی (محاسبه میانگین و انحراف معیارهای متغیرهای پیش‌بین)، درصد و آزمون تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی وابستگی به مواد و آزمون t-test برای گروه‌های مستقل استفاده شد. از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۹ (version 19, SPSS Inc., Chicago, IL) جهت تحلیل داده‌ها استفاده شد. با توجه به اهداف پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر در نظر گرفته شد.

۱. وابستگی به مواد مخدر در جوانان بر اساس سبک دلبستگی ایمن قابل پیش‌بینی است.

۲. وابستگی به مواد مخدر در جوانان بر اساس سبک دلبستگی اجتنابی قابل پیش‌بینی است.

۳. وابستگی به مواد مخدر در جوانان بر اساس سبک دلبستگی اضطرابی قابل پیش‌بینی است.

۴. بین سبک دلبستگی ایمن در دو گروه معتاد و غیر معتاد تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

۵. بین سبک دلبستگی اجتنابی در دو گروه معتاد و غیر معتاد تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

بین سبک دلبستگی اضطرابی در دو گروه معتاد و غیر معتاد تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

برای رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش به آزمونی‌ها گفته شد که نتایج این داده‌ها جهت انجام یک کار پژوهشی است. یافته‌های آن فقط در جهت کمک به حل مشکلات معتادین و گشودن گره‌ای از معضلات آن‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت و تمامی اطلاعات محرمانه خواهد ماند. برای کاهش مقاومت‌های احتمالی به آزمودنی‌ها گفته شد که لزومی به ذکر نام و نام خانوادگی نیست.

یافته‌ها

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که وابستگی به مواد مخدر با سبک‌های دلبستگی (اجتنابی و اضطرابی) رابطه مستقیم، مثبت و معنی‌دار و با سبک دلبستگی ایمن رابطه معکوس، منفی و معنی‌دار داشت و آن را پیش‌بینی کرد. همچنین تفاوت معنی‌دار بین دو گروه معتاد و غیر معتاد در زمینه سبک‌های دلبستگی وجود داشت.

در فرضیه اول پژوهش، نتایج حاصل تحلیل رگرسیون نشان داد که با توجه به $\beta = -۰/۳۶۴$، $P < ۰/۰۰۱$ و $\alpha = ۰/۰۵$ می‌توان نتیجه گرفت که بین سبک دلبستگی ایمن و وابستگی به مواد مخدر رابطه معکوسی وجود دارد. در فرضیه دوم پژوهش نیز چون $\beta = ۰/۲۷۳$، $P = ۰/۰۲۵$ و $\alpha = ۰/۰۵$ بود، می‌توان گفت که سبک دلبستگی اجتنابی می‌تواند به میزان ۲۷ درصد پیش‌بینی کننده وابستگی به مواد مخدر باشد.

در فرضیه سوم پژوهش نیز چون $\beta = ۰/۵۰۸$، $P < ۰/۰۰۱$ و $\alpha = ۰/۰۵$ بود، می‌توان گفت که سبک دلبستگی اضطرابی نیز می‌تواند به میزان ۵۱ درصد پیش‌بینی کننده وابستگی به مواد مخدر باشد. در فرضیه چهارم با توجه به این که $P < ۰/۰۰۱$ و $t\text{-test} = ۳/۳۳$ و $\alpha = ۰/۰۵$ بود، می‌توان نتیجه گرفت که در سبک دلبستگی ایمن بین دو گروه معتاد و دانشجو تفاوت وجود دارد و این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است.

نتایج حاصل از آزمون t-test در فرضیه پنجم پژوهش نیز نشان داد که با توجه به $P < ۰/۰۰۱$، $t\text{-test} = ۶/۲۰۳$ و $\alpha = ۰/۰۵$ می‌توان گفت که بین دو گروه معتاد و غیر معتاد از لحاظ سبک اجتنابی تفاوت معنی‌دار وجود دارد. به بیان دیگر تفاوت بین دو گروه معتاد و دانشجو در سبک دلبستگی اجتنابی از لحاظ آماری معنی‌دار است.

نتایج برای فرضیه ششم پژوهش نیز نشان داد که بین دو گروه معتاد و دانشجو از لحاظ سبک اضطرابی تفاوت

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-10-13]

معنی‌داری وجود دارد (t-test = −۵/۸۸، P < ۰/۰۰۱ و α = ۰/۰۵). به عبارت دیگر گروه معتادین نسبت به گروه دانشجویان از سبک اضطرابی بیشتری برخوردار هستند و این تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار است.

بحث

هدف کلی این پژوهش بررسی سبک‌های دلبستگی به عنوان یکی از متغیرهای پیش‌بین در وابستگی به مواد مخدر در جوانان پسر شهر ایلام بود. در جهت دستیابی به این هدف، فرضیاتی مطرح شد که این نتایج به دست آمد. بین دلبستگی ایمن و وابستگی به مواد مخدر رابطه معکوس معنی‌داری وجود داشت که با نتیجه به دست آمده در پژوهش Williams و Kelly همخوانی داشت (۷). آن‌ها نشان دادند که نوجوانانی که تعامل کمتری با پدران خود دارند و دارای دلبستگی ناایمن هستند، مشکلات رفتاری را نشان می‌دهند. این امر می‌تواند زمینه‌ای جهت گرایش آنان به سمت آسیب‌های اجتماعی از جمله مواد مخدر باشد. به نظر می‌رسد که افراد ناایمن برای فرونشانی عواطف، احساسات منفی و رویدادهای آسیب‌زایی که تجربه می‌کنند، بیش از افراد ایمن از سوءمصرف مواد به عنوان یک مکانیزم خود درمانی استفاده می‌کنند.

همچنین نتایج این تحقیق با پژوهش Cassidy و Shaver همخوانی داشت (۶). بین سبک دلبستگی اجتنابی و وابستگی به مواد مخدر رابطه معنی‌داری وجود داشت. این ارتباط حاکی از این است که افرادی که دارای این سبک هستند، به احتمال ۲۷ درصد به مواد دلبستگی پیدا خواهند کرد. این نتیجه با پژوهش جزایری و دهقانی (۱۰) و Bahr و همکاران (۸) همخوانی داشت.

به نظر می‌رسد که این افراد از مهارت‌های مقابله‌ای ضعیف و ناپخته‌ای جهت مواجهه با مشکلات زندگی برخوردار هستند. شیوه درست در جهت حل مسایل به صورت اجتناب، دوری و گوشه‌گیری نیست. چنین رویه‌ای منجر به تقویت راهبردهای اجتنابی، جلوگیری از مواجهه مستقیم با موقعیت‌های دشوار در زندگی و تراکم استرس خواهد شد. این رویه‌ای در نهایت زمینه را جهت سوءمصرف مواد به عنوان چاره‌ای جهت تعادل هیجانی و رهایی از این استرس‌ها به طور موقت فراهم خواهد کرد.

نتیجه دیگر پژوهش حاضر این بود که بین سبک دلبستگی اضطرابی و مصرف مواد رابطه وجود داشت و توانست به میزان ۵۱ درصد پیش‌بینی کننده سوءمصرف مواد مخدر باشد. نتیجه به دست آمده با پژوهش Nickerson و Nagle (۲) و Parker و Asher (۳) همخوانی داشت. آن‌ها معتقد بودند که سبک‌های دلبستگی نقش مهمی در سازگاری روان‌شناختی (کاهش اضطراب) و احتمالاً پیشگیری از ورود افراد به عرصه اعتیاد و مواد مخدر دارد. Carlson و Sroufe نیز بر نقش کنش سازمانی نظام دلبستگی در یکپارچه کردن مؤلفه عاطفی (برای نمونه اضطراب) انگیزشی و شناختی در جلوگیری از سوءمصرف مواد اشاره کردند (۴). Cassidy و Shaver نیز رابطه سبک دلبستگی اضطرابی و سوءمصرف را گزارش کردند (۶).

یافته دیگر این پژوهش حاکی از تفاوت معنی‌دار بین سبک دلبستگی ایمن در دو گروه معتاد و دانشجو بود که با یافته به دست آمده در پژوهش Cassidy و Shaver (۶) و Bahr و همکاران (۸) همخوانی داشت. آن‌ها نشان دادند که سبک دلبستگی ایمن عامل محافظی در مقابل خطر گرایش به سوءمصرف مواد است.

در نهایت نتیجه دیگر پژوهش حاضر این بود که بین دو گروه معتاد و غیر معتاد از لحاظ سبک اضطرابی تفاوت معنی‌داری وجود داشت که هماهنگ با نتیجه به دست آمده در پژوهش Cassidy و Shaver بود (۶). آن‌ها رابطه معنی‌داری را بین سبک‌های دلبستگی با اختلالات خلقی، اضطرابی، شخصیت و سوءمصرف مواد گزارش کردند. Carlson و Sroufe نیز گزارش کردند که تأکید روی عوامل مؤثر در وابستگی به مواد و عود مکرر، بیش از هر چیز معطوف به شکل‌گیری الگوهای دیرپای شخصیتی (از جمله الگوهای اضطرابی) است (۴).

در خصوص تبیین نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان گفت که کم توجهی و عدم مراقبت لازم در دوران کودکی و نوجوانی، کمبودهای تجربه شده، احساس تنهایی و اندوه،

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-10-13]

احساس خصومت و عدم توانایی در برقراری ارتباط، فرد را به سوی مصرف مواد سوق می‌دهد (۱). با توجه به این نکات می‌توان گفت که احتمالاً نبود تعامل مناسب بین کودک و مادر، محرومیت عاطفی در دوران کودکی، سهل‌انگاری پدر در ارتباط با احتیاجات عاطفی فرزند در دوران بلوغ، نبود تکیه‌گاهی که نیازهای مراقبتی و رشدی او را برآورده سازد، والدین غیر پاسخگو، اعتماد کم و فاصله زیاد بین والدین و فرزند، نبود همدردی مشترک در مسایل استرس‌زا، عدم توانایی والدین در بیان معقول احساسات خویش، انتقادات بی‌شمار و انتظارات بی‌اندازه خارج از توان جوان، همگی دست به دست هم می‌دهند و جوان را به سمت مواد مخدر می‌کشاند (۱۱).

تأثیر مواد مخدر فرد را به کشف این مسأله هدایت می‌کند که وی قادر است درد و اندوه خویش را که نتیجه شکست و ناکامی در ارتباط ایمنی‌بخش است، به کمک مواد مخدر تحت تأثیر قرار دهد و بدین وسیله شرایط روحی خود را دگرگون کند. در پایان می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سوءمصرف مواد نتیجه ترکیبی از عوامل گوناگون است. هر چه تعداد عوامل خطرآفرین در ارتباط با فرد بیشتر باشد، احتمال سوءمصرف مواد توسط او بیشتر می‌شود. این بدین علت است که وجود عوامل خطر چندگانه هم در شروع مصرف مواد نقش دارند و هم در میزان مصرف بعدی مؤثرند (۱).

از جمله چالش‌های موجود در بررسی این پژوهش این بود که نمونه مورد بررسی همگی مرد بودند. این مشکل ناشی از عدم دسترسی به معتادین زن در شهر ایلام بود. در این رابطه توصیه می‌شود که در تحقیق‌های آتی محققین به بررسی نقش جنسیت در رابطه با متغیرهای تحقیق حاضر بپردازند.

محدودیت این پژوهش این بود که جهت انتخاب معتادین از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد. با این حال محقق چاره‌ای جز این نداشت، چون دسترسی به معتادین دشوار بود. همچنین عدم همکاری بعضی از معتادین در تکمیل پرسش‌نامه را می‌توان ذکر نمود.

References

1. Fathi K, Merabizade Honarmand M. A survey of depression, sensation seeking, aggression, attachment styles and Education of parent as predictors of drug dependency among Ahwaz teenage boys. Studies in Education and Psychology 2008; 9(2): 23-46. [In Persian].
2. Nickerson AB, Nagle RJ. Parent and Peer Attachment in Late Childhood and Early Adolescence. The Journal of Early Adolescence 2005; 25(2): 223-49.
3. Parker JG, Asher SR. Peer relations and later personal adjustment: are low-accepted children at risk? Psychol Bull 1987; 102(3): 357-89.
4. Carlson EA, Sroufe LA. Contribution of attachment theory to developmental psychopathology. In: Cicchetti D, Cohen DJ, Editors. Theory and methods. New Jersey, NJ: Wiley; 1995. p. 135-8.
5. Khasto G. Substance abuse prevention, community-oriented approach. Social Welfare Quarterly 2002; 2(6): 235-64. [InPersian].
6. Cassidy J, Shaver PR. Handbook of Attachment: Theory, Research, and Clinical Applications. New York, NY: Taylor & Francis Group; 1999. p. 469-75.
7. Williams SK, Kelly FD. Relationships among Involvement, Attachment, and Behavioral Problems in Adolescence: Examining Father's Influence. The Journal of Early Adolescence 2005; 25(2): 168-96.
8. Bahr SJ, Maughan SL, Marcos AC, Li B. Family, Religiosity, and the Risk of Adolescent Drug Use. Journal of Marriage and Family 1998; 60(4): 979-92.
9. Hamidi F. A Study on the Relationship between Attachment Styles and Marital Satisfaction In Married Students of Teacher Training University. Journal of Family Research 2007; 3(9): 443-53. [In Persian].
10. Jazayeri A, Dehghani M. Relationship between attachment styles, addiction and psychological profile compared with non-drug addicts in Bushehr province [MSc Thesis]. Tehran, Iran: School of Social Welfare and Rehabilitation Sciences; 2003. p. 30-8. [In Persian].
11. Vakalahi HF, Harrison RS, Janzen FV. The Influence of Family-Based Risk and Protective Factors on Adolescent Substance Use. Journal of Family Social Work 2001; 4(1): 21-34.

www.mui.ac.ir
[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-10-13]

Attachment Style as a Predictor of Substance Dependency in Juvenile

Jahansha Mohammadzaeh[1], Afra Khosravi[2], Aliaskar Rezaei[3]

Original Article

Abstract

Background: Addiction or substance abuse is a serious issue that threatens the human society. Several factors are effective on the emergence, persistence and treatment of addiction. Some probable predictors of substance abuse have been studied among which is attachment styles. Attachment is an affective bond between mother and infant in developmental psychology. Insecure experiences of attachment can develop a predisposition toward substance abuse.

Methods: Subjects included 120 students and 81 young drug addicts. Convenience sampling was used to select the addicted subjects by referring to the addicts' welfare centers. Multistage cluster sampling method was used to choose the non addicts by referring to the universities in Ilam, Iran. The instrument for data gathering was adults' attachment styles of Coolins and Reed.

Findings: The regression analysis showed that there was a significant relationship between attachment styles (avoidant and anxiety) and drug dependency, but there was a negative, invers significant relationship between secure attachment style and drug dependency ($P < 0.01$).

Conclusion: Lack of appropriate interaction between child and mother during childhood and emotional deprivations leads to child's addiction. Non responsive and low confidence parents, distance between mother and children, feeling of hostility and lack of child care can also result in drug abuse and addiction.

Key words: Attachment Styles, Addiction, Drug Dependency

Citation: Mohammadzaeh J, Khosravi A, Rezaei A. **Attachment Style as a Predictor of Substance Dependency in Juvenile.** J Health Syst Res 2013; 8(7): 1159-65.

Received date: 14/07/2012 Accept date: 13/10/2012

1- Assistant Professor, Department of Psychology, School of Literature and Humanities, University of Ilam, Ilam, Iran
2- Associate Professor, Department of Immunology, School of Medicine, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran (Corresponding Author)
Email: afrakhosravi@yahoo.co.uk
3- Department of Psychology, School of Literature and Humanities, University of Ilam, Ilam, Iran

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-10-13]